

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان همدان

آموزشگاه فنی و حرفه‌ای زینب کبری (س)

جزوه درس روانشناسی رشد (جلد دوم)



تهیه و تنظیم: علی زارعی

فروردین ۹۹

ذهن ما باغچه ایست...

گل در آن باید کاشت

...تا نروید علف هرز در آن

زحمت کاشتن یک گل سرخ...

کمتر از زحمت برداشتن

هرزگی آن علف است

ذهن ما باغچه ایست...

گل در آن باید کاشت.

دانشجویان عزیز ادامه جزوه روانشناسی رشد شامل مطالب زیر که برای ۱۶ فروردین ۹۹ تا پایان ترم طراحی گردیده است. لیکن قبل از پایان ترم دو فعالیت خواهیم داشت که زمان آنها متعاقبا و از طریق سایت آموزشکده اطلاع رسانی خواهد شد.

۱- برگزاری آزمون آنلاین از محتوی جزوه شماره ۱ به شکل آزمون تستی

(آمادگی برای آزمون هفته اول اردیبهشت ۹۹)

۲- ارائه یک کار عملی توسط هر دانشجو که شیوه آن و موضوعات مربوط به هر دانشجو در گروه فضای مجازی اطلاع رسانی خواهد شد.

رشد شناختی کودک و یادگیری زبان

- رشد شناختی (دیدگاه ژان پیاژه):

نظریه رشدی - شناختی پیاژه

در دنیای روان شناسی، مشکل بتوان کسی را به اهمیت ژان پیاژه یافت. پیاژه اندیشید که خردسالان الزاما کم هوش تر از کودکان و بزرگسالان نیستند، بلکه ممکن است نوع تفکر آنان کاملا متفاوت باشد. او دریافت که کودکان قبل از ۷ سالگی در مورد روایا، اخلاقیات و بسیاری موضوع دیگر، از نظر کیفی به نحو متفاوتی فکر می کنند. پیاژه در تحقیقات جدیدش بر درک کودکان از مفاهیم ریاضی و علمی تاکید داشت و این تاکید تا پایان عمر در کارهای او مشاهده می شد.

• نگاه کلی به نظریه پیاژه

پیاژه بر این باور است که کودکان با سرعت‌هایی متفاوت، از مراحل او عبور می‌کنند؛ از همین رو، او اهمیت اندکی برای سنین همبسته با این مراحل قایل است. اما او معتقد است که کودکان این مراحل را در تسلسلی ثابت و غیر قابل تغییر طی می‌کنند.

مراحل رشد شناختی پیاژه

نظریه ی پیاژه یک نظریه ی مرحله ای است بر اساس نظریه ی او ، مراحل رشد شناختی عبارتند از:

۱- مرحله حسی-حرکتی ۲- مرحله پیش عملیاتی ۳- مرحله عملیات عینی ۴- مرحله عملیات صوری

چند نکته در مورد نظریه پیاژه :

- دامنه ی سنی مطرح شده از سوی پیاژه ، تقریبی است ،
- برخی کودکان ممکن است مرحله ای را زودتر یا دیرتر طی کنند.
- به نظر پیاژه رشد شناختی آدمی در جریان مراحل به وجود می آید که از نظر کیفی و کمی با یکدیگر متفاوتند
- مراحل پیاپی هستند ولی لازم نیست که کودکان حتماً یک مرحله را قبل از ورود به مرحله ای دیگر به اتمام برسانند برای مثال ، کودکی که در مرحله ی تفکر پیش عملیاتی است ممکن است برخی از اعمال مختص به هر دو مرحله ی حسی-حرکتی و عملیات عینی را نیز انجام دهد.
- پیاژه مدعی است که همه ی کودکان باید از مراحل مشابه و با ترتیب مشابه عبور کنند ، گرچه سرعت عبور همه ی آنان یکسان نیست .به نظر او عامل زمان یکی از عوامل اساسی رشد شناختی و سایر جنبه های روان شناختی کودک است .
- پیاژه رشد شناختی کودک را از دو جنبه مورد بررسی قرار می دهد جنبه ی روانی -اجتماعی و جنبه ی روان شناختی. منظور او از جنبه ی روان شناختی آن جنبه است که به طور خود به خودی ، یعنی صرفاً در طی زمان رخ می دهد . مثال : رشد هوش .درواقع این مراحل بیانگر آن است که کودکان و نوجوانان چگونه می اندیشند و در هر مرحله از رشد چه دگرگونیهای فکری و شناختی در آنان پدید می آید .

مرحله حسی-حرکتی: تولد تا ۲ سالگی

منظور از حسی-حرکتی این است که کودکان ، در این مرحله ، از توانایی استفاده از حواس و اعمال خود برای درک جهان پیرامون استفاده می کنند.

در این مرحله :

- طرحواره های **بقاء شی و کارکرد نمادین عمومی** در کودک شکل می گیرد ،
- بقاءشیء ، توانای درک این مسئله است که اشیاء ، افراد در فضا و زمان وجود دارند ،حتی اگر نتوان آن ها را دید.
- کارکرد نمادین عمومی مشتمل بر آغاز زبان ، بازی و تقلید غیابی است .

- پیازده در اثر نتایج برگرفته از پژوهش های خود ، مرحله ی حسی - حرکتی را به شش خرده مرحله تقسیم کرده است . که عبارتند از :

اول : تولد تا ۲ ماهگی (دوره غلبه ی بازتاب های شرطی مانند مکیدن)

دوم : ۲ تا ۴ ماهگی (دوره جذب تجارب جدید وانطباق و طراحی ساختارهای جدید شناختی مانند شیشه به جای پستانک و گرفتن اسباب بازی.

سوم : ۴ تا ۸ ماهگی (دوره درک علت و معلول های ساده و هماهنگی حواس بینایی و لامسه .مثال : آخرباری که نوزاد با دست خود به شیشه زد، به او شیر داده شد و بدین ترتیب او حالا طرحی را برای دست زدن به شیشه ی شیر آغاز می کند.

چهارم : ۸ تا ۱۲ ماهگی (دوره درک بسیار ساده ازمفهوم زمان و دوره ی درک بقای شیء مثال : نوزادی که گریه می کند تا کسی او را بلند کند وقتی صدای پای پدرش را در راهروی منتهی به اتاقش می شنود ساکت می شود. او می داند که بیش از چند ثانیه ی دیگر تا آرامش ا وفاصله نمانده است .

پنجم : ۱۲ تا ۱۸ ماهگی (دوره ی آغاز تجربه کردن جهان خارج و دستیابی به اولین تجارب حل مسئله و افزایش تقلیداز سایرین. مثال کودکان وسایل را پرت می کنند، گاز می گیرند ، لجاجت می ورزند ، اشیاء می شکنند ، صرفاً برای اینکه ببینند چه اتفاق می افتد.

ششم : ۱۸ تا ۲۴ ماهگی (دوره ی آغاز فکرکردن ، ایجاد تصور اشیاء در ذهن خود ودستیابی به راه های جدید برای حل مسأله

مرحله پیش عملیاتی : ۲ تا ۷ سالگی

علت نامگذاری این مرحله به پیش عملیاتی آن است که کودکان دراین مرحله هنوز قادر به **تفکر عملیاتی یا تفکر منطقی** نیستند .

در این مرحله :

- **زبان** کمک زیادی به رشدشناختی کودک می کند و او را قادر می سازد تا پدیده ها و امور مختلف را به طور **نمادی** مورد بررسی قرار داده و مفاهیم مختلف را بشناسد .
- **توانایی استفاده از نمادها واندیشیدن** بر اساس آنها کارکرد نشانه شناختی نام گرفته است به طور مثال کلمه « صندلی » یا تصویر یک صندلی برای بازنمایی یک صندلی است که عملاً موجود نیست .

ویژگی های مرحله پیش عملیاتی :

خودمداری : یعنی کود نمی تواند به دیدگاه مشخص دیگری توجه کند . او کلمات را براساس تجارب خود تفسیر می کند و به کارمی برد و هنوز نمی داند کودکان و نوجوانان دیگر ، که تجارب متفاوتی دارند ، احتمالاً می توانند تصورات متفاوتی داشته باشند

جاندار پنداری : نسبت دادن خصوصیات موجودات زنده به اشیاء. مثال کودک چهار ساله ای که فکر میکند «ماه به پشت ابرها می رود که بخوابد» جاندار پنداری تفکر خود را به نمایش می گذارند

ناتوانی در نگهداری ذهنی به رغم ایجاد تغییر در شکل ظاهری یا وضع مکانی یک شیء اگر چیزی به آن اضافه یا چیزی از آن کاسته نشود در مقدار واقعی آن تغییری ایجاد نمی شود .

مرحله عملیات عینی ۷ تا ۱۱ سالگی

در این مرحله :

- کودک قادر است تنها با مواد و اشیای **محسوس و قابل رویت** رابطه برقرار کند.
- کودک در این مرحله توانایی انجام اعمال منطقی را کسب می کند، اما این اعمال را با امور محسوس و عینی می تواند انجام دهد نه با امور فرضی و پدیده های انتزاعی .
- از رویدادهای مهم این مرحله درک مفهوم **بقاء و یا نگهداری ذهنی** از سوی کودکان است. مفهوم بقای عدد، طول، مایع (۶ تا ۷ سالگی) مفهوم بقای ماده (۷ تا ۸ سالگی) مفهوم بقای سطح (۹ تا ۱۰ سالگی)
- طبقه بندی کردن :** یعنی دسته بندی اشیاء در گروه ها یا طبقه های مختلف بر اساس ویژگی های مشترک آن ها.
- بازگشت پذیری :** یعنی توانایی به عقب برگرداندن مراحل انجام یک رشته عمل به طور ذهنی و رسیدن به نقطه ی آغاز
- ردیف کردن :** یعنی قراردادن اشیاء و امور پشت سرهم برحسب یکی از ویژگی های آن ها.
- این همانی :** این اصل نشان دهنده ی آن است که تغییرات ظاهری اشیاء در مقدار واقعی آنها تغییری ایجاد نمی کند.
- جبران :** بنا بر اصل جبران، در تغییر شکل اشیاء، در یک مورد ، مورد دیگر را جبران می کند .
- عدم تمرکز :** یعنی توجه همزمان به چند ویژگی اشیاء.

مرحله عملیات صوری : ۱۱ سالگی به بعد

در آخرین مرحله رشد شناختی ، کودک :

- به تدریج **توانایی تفکر بر حسب امور انتزاعی** را کسب می کند و بر قوانین منطق صوری مسلط می شود و بدین لحاظ این مرحله را مرحله ی عملیات صوری نام نهاده اند .
- اندیشه های کودکان در این مرحله علاوه بر اشیای محسوس ، موارد احتمالی و فرضی را نیز شامل می شود و لذا کودکان این مرحله قادر می شوند **تفکر عملی مبتنی بر روش فرضیه ای - قیاسی** را به کاربندد، یعنی می توانند به طرح فرضیه بپردازند و بدون نیاز به مراجعه به اشیای محسوس به واری فرضیه ی خود اقدام کنند.
- نوجوانان مرحله تفکر صوری **آرمان گرا و ناسازگارند** .

- پیاژه معتقد است که با ظهور توانایی تفکر صوری فرد می تواند مسائل کلامی انتزاعی، نظیر مسائل پیچیده ریاضی، را به آسانی حل کند.

استدلال علمی نیز با رشد تفکر صوری امکان پذیر می شود. سه توانایی عملیات صوری (یعنی استدلال منطقی درباره ی ایده های فرضیه ای، تدوین و آزمون فرضیات، و تکنیک و کنترل متغیرها) امکان به کارگیری روش علمی را که در آن برای یک پدیده مورد مشاهده چند تبیین ممکن پیشنهادوبه صورت منظم آزمون می شود میسر می سازند.

خود محوری یا خودمداری نوجوانی: نوعی خودآگاهی یا باور نوجوانان است مبنی بر این که همان قدر که آنها ب خود علاقه مندند دیگران نیز به آنان علاقه دارند.

نوجوانان بیشتر به احتمالات توجه دارند تا واقعیات، یعنی توانایی تصور امکانات گوناگون آینده و فرضیه سازی

کاربردهای نظریه ی رشد شناختی پیاژه:

فواید استفاده از این نظریه برای معلمان:

- بین فرایندهای فکری کودکان و بزرگسالان تفاوت های مهمی وجود دارد. بنابراین معلمان وسایر کسانی که با کودکان سروکاردارند باید بکوشند تا خود را در موقعیت کودکان قرار دهند و مسائل و پدیده ها را به روش آنان ببینند.

- آموزش باید بر نیازهای فردی دانش آموزان و سطح درک و فهم آنان منطبق باشد

معلم معتقد به دیدگاه پیاژه:

- قبول کورکورانه ی نظریه خود یا حفظ طوطی وار کتاب را مردود می شمارد.
- به فکر کردن و خلاقیت مداوم ارج می گذارد، با خلق محیطی غنی که در آن ساخت های شناختی دانش آموزان امکان بروز و تحول پیدا می کند و با تکیه بر فعالیت های خود انگیزته دانش آموزان به آن ها کمک می کند تا پیوند منطقی میان مطالب یا رویدادها را خود پیدا کند و برای کشف دوباره ترغیب شوند.
- دانش آموزان را با یکدیگر مقایسه نمی کند
- معلم امکان تجربه ی عینی را برای شاگردان، به خصوص کودکان پیش دبستانی و دبستانی فراهم می کند و به شاگردان اجازه می دهد و برای آنان موقعیت هایی فراهم می کند که در امور و اشیاء دخل و تصرف کنند و به کشفیاتی دست یابند.

رشد روانی – عاطفی کودک (دیدگاه روانی اجتماعی اریکسون)

رشد روانی-اجتماعی چیست ؟

نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون یکی از معروف ترین نظریه های شخصیت در روان شناسی است. اریکسون نیز همانند فروید اعتقاد داشت که شخصیت هر فرد، طی مراحل رشد می یابد. نظریه اریکسون به تشریح تاثیر تجربه اجتماعی در تمام طول عمر می پردازد.

یکی از **عناصر اصلی** در نظریه مراحل روانی-اجتماعی اریکسون، **رشد هویت خود** است. «هویت خود»، حس آگاهانه خود است که ما از طریق تعاملات اجتماعی رشد می‌دهیم. به گفته اریکسون، «هویت خود» ما با هر تجربه و اطلاعات جدیدی که در تعاملات روزانه خود با دیگران به دست می‌آوریم، دائماً تغییر می‌کند. اریکسون همچنین عقیده داشت که علاوه بر «هویت خود»، یک حس صلاحیت نیز انگیزه رفتار و اعمال ما را تشکیل می‌دهد.

هر مرحله در نظریه اریکسون به **صلاحیت یافتن و شایسته شدن در یک محدوده از زندگی** مربوط است. اگر یک مرحله به خوبی پشت‌سر گذاشته شود، شخص احساس تسلط خواهد کرد. و اگر یک مرحله به طور ضعیفی مدیریت شود، حس بی‌کفایتی در شخص پدید خواهد آمد.

اریکسون عقیده داشت که **افراد در هر مرحله، با یک تضاد روبرو می‌شوند که نقطه عطفی در پروسه رشد خواهد بود**. به عقیده اریکسون، این تضادها بر به وجود آوردن یک کیفیت روانی یا ناکامی در به وجود آوردن آن کیفیت متمرکزند. در خلال این دوره، هم زمینه برای رشد شخصی بسیار فراهم است و هم از سوی دیگر، برای شکست و ناکامی.

مرحله ۱ رشد روانی-اجتماعی: اعتماد در برابر بی‌اعتمادی

- نخستین مرحله نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون بین تولد تا یک سالگی پدید می‌آید و **بنیادی‌ترین مرحله در زندگی** است.
- به دلیل آن که نوزاد به طور کامل وابسته است، رشد اعتماد در او به کیفیت و قابلیت اطمینان کسی که از او پرستاری می‌کند بستگی دارد.
- اگر اعتماد به نحو موفقیت‌آمیزی در کودک رشد یابد، او در دنیا احساس امنیت خواهد کرد. اگر پرستار ناسازگار، پس زننده یا از نظر عاطفی غیرقابل دسترس باشد، به رشد حس بی‌اعتمادی در کودک کمک می‌کند. **عدم توفیق در رشد اعتماد، به ترس و باور این که دنیا ناسازگار و غیرقابل پیش‌بینی است منجر می‌گردد.**

مرحله ۲ رشد روانی-اجتماعی: خودگردانی و اتکاء به نفس در برابر شرم و شک

- دومین مرحله نظریه رشد روانی-اجتماعی اریکسون در دوران اولیه کودکی صورت می‌گیرد و بر شکل‌گیری و رشد حس عمیق‌تری از **کنترل شخصی** در کودکان تمرکز دارد.
- اریکسون همانند فروید عقیده داشت که آموزش آداب دستشویی رفتن، بخش حیاتی و ضروری این فرایند است. اما استدلال اریکسون کاملاً با فروید متفاوت بود. اریکسون عقیده داشت که یادگیری کنترل کارکرد بدن به پیدایش حس کنترل و استقلال می‌انجامد.
- رویدادهای مهم دیگر در این مرحله شامل **به دست آوردن کنترل بیشتر بر انتخاب غذا، اسباب‌بازی و لباس است.**
- کودکانی که این مرحله را با موفقیت پشت سر بگذارند، **احساس امنیت و اطمینان** می‌کنند. در غیر این صورت، **حس بی‌کفایتی و شک به خود** در آن‌ها باقی می‌ماند.

مرحله ۳ رشد روانی-اجتماعی: ابتکار در برابر گناه

- در خلال سال‌های قبل از مدرسه، کودکان شروع به قدرت‌نمایی و اعمال کنترل بر دنیای خود از طریق برخی بازی‌ها و سایر تعاملات اجتماعی می‌کنند.
- کودکانی که این مرحله را با موفقیت بگذرانند، **حس توانایی شخصی و قابلیت رهبری دیگران** را پیدا می‌کنند. و آن‌هایی که در به دست آوردن این مهارت‌ها ناکام می‌مانند، حس گناه، شک به خود و کمبود ابتکار در آن‌ها باقی می‌ماند.

مرحله ۴ رشد روانی-اجتماعی: کوشایی در برابر حقارت

- این مرحله، سال‌های اول مدرسه، تقریباً از ۵ سالگی تا ۱۱ سالگی را در برمی‌گیرد.
- کودکان از طریق تعاملات اجتماعی شروع به رشد حس غرور نسبت به دستاوردها و توانایی‌های خود می‌کنند.
- کودکانی که توسط والدین یا معلمان تشویق و هدایت می‌شوند، **حس کفایت، صلاحیت و اعتقاد به توانایی‌های خود** در آن‌ها به وجود می‌آید.
- آن‌هایی که از سوی والدین، معلمان یا هم‌سن و سال‌های خود به قدر کافی مورد تشویق قرار نمی‌گیرند به توانایی خود برای موفقیت، شک خواهند کرد.

مرحله ۵ رشد روانی-اجتماعی: هویت در برابر گم‌گشتگی

- در دوران نوجوانی، کودکان به کشف استقلال خود می‌پردازند و به عبارت دیگر، خود را حس می‌کنند.
- آن‌هایی که از طریق کاوش‌های شخصی، تشویق و پشتیبانی مناسبی دریافت کنند، این مرحله را با حس استقلال و کنترل و نیز حسی قوی نسبت به خود پشت‌سر می‌گذارند. و کسانی که نسبت به باورها و تمایلات خود نامطمئن بمانند، درباره خود و آینده نیز نامطمئن و گم‌گشته خواهند بود.

مرحله ۶ رشد روانی-اجتماعی: تعلق در برابر انزوا

- این مرحله، دوران اولیه بزرگسالی، یعنی زمانی که افراد به **کشف روابط شخصی** می‌پردازند را در بر می‌گیرد.
- اریکسون عبقده داشت که برقرار کردن روابط نزدیک و متعهدانه با دیگران ضرورت دارد. کسانی که در این مرحله موفق باشند، **روابط مطمئن و متعهدانه‌ای** را به وجود خواهند آورد.
- به یاد داشته باشید که هر مرحله بر پایه مهارت‌های یادگرفته شده در مراحل قبل بنا می‌شود. اریکسون عقیده داشت که حس قوی هویت شخصی برای ایجاد روابط صمیمانه و همراه با تعلق خاطر اهمیت دارد. مطالعات نشان داده‌اند که کسانی که حس ضعیفی نسبت به خود دارند در روابطشان نیز تمایل به تعهدپذیری کمتری دارند و بیشتر در معرض انزوای عاطفی، تنهایی و افسردگی قرار دارند.

مرحله ۷ رشد روانی-اجتماعی: فعالیت در برابر رکود

- در دوران بزرگسالی، ما به ساختن زندگی خود ادامه می‌دهیم و تمرکزمان بر روی شغل و خانواده قرار دارد.
- کسانی که در این مرحله موفق باشند، **حس خواهند کرد که از طریق فعال بودن در خانه و اجتماع خود، در کار جهان مشارکت دارند.** آن‌هایی که در به دست آوردن این مهارت ناموفق باشند، حس غیرفعال بودن، رکود و درگیر نبودن در کار دنیا را پیدا خواهند کرد.

مرحله ۸ رشد روانی-اجتماعی: یکپارچگی در برابر ناامیدی

- این مرحله مربوط به دوران کهنسالی است و بر بازتاب فعالیت‌های گذشته تمرکز دارد.
- آن‌هایی که در این مرحله ناموفق هستند حس خواهند کرد که زندگی‌شان تلف شده است و بر گذشته افسوس خواهند خورد. در این حالت است که فرد با حس ناامیدی و ناخشنودی روبرو خواهد شد.
- کسانی که از دستاوردهای گذشته خود در زندگی احساس غرور داشته باشند، حس یکپارچگی، درستی و تشخیص خواهند کرد. با موفقیت پشت سر گذاشتن این مرحله یعنی نگاه به گذشته با اندکی تأسف و احساس رضایت کلی. این افراد کسانی هستند که خردمندی به دست می‌آورند، حتی در مواجهه با مرگ.

رشد اخلاقی (دیدگاه کلبرگ)

لاورنس کلبرگ، روان‌شناس، با اصلاح و توسعه کار پیاژه، نظریه جدیدی ارائه کرد که به توصیف رشد استدلال اخلاقی می‌پردازد. کلبرگ، **شش مرحله در داخل سه سطح مختلف** را در نظر می‌گیرد. کلبرگ نظریه پیاژه را توسعه داد و عنوان کرد که رشد اخلاقی یک فرایند مداوم است که در سراسر دوره عمر اتفاق می‌افتد. کلبرگ نظریه خود را بر پایه تحقیقات و مصاحبه‌هایی که با گروه‌هایی از نوجوانان و جوانان انجام داده بنا کرده است.

«زنی به خاطر ابتلا به نوع خاصی سرطان در حال مرگ است. تنها یک دارو وجود دارد که پزشکان فکر می‌کنند ممکن است جان او را نجات دهد. این دارو به تازگی توسط داروسازی ساخته شده است. هر چند ساختن دارو پرهزینه بوده اما داروساز قیمتی معادل ۱۰ برابر هزینه ساخت برای آن در نظر گرفته است. مثلاً فرض کنید ۲۰۰ دلار صرف ساختن آن کرده و ۲۰۰۰ دلار آن را به فروش می‌رساند. شوهر زن بیمار به هر کس که می‌شناسد برای قرض گرفتن مراجعه می‌کند اما رویهم رفته موفق به جمع‌آوری بیشتر از ۱۰۰۰ دلار، یعنی نصف قیمت دارو نمی‌شود. او به داروساز می‌گوید که زنش در آستانه مرگ است و از او درخواست می‌کند که یا دارو را ارزانتر بدهد و یا به او اجازه دهد که بقیه پول آن را بعداً بپردازد. اما داروساز موافقت نمی‌کند و می‌گوید من این دارو را کشف کرده‌ام و می‌خواهم از بابت آن پولدار شوم. سرانجام مرد از قانع کردن داروساز ناامید می‌شود و شبانه به داروخانه دستبرد می‌زند و دارو را برای زنش می‌دزدد. آیا آن مرد باید این کار را می‌کرد؟»

کولبرگ به پاسخ این سوال در مورد این که مرد کار درستی کرده است یا خیر زیاد علاقه‌مند نبود بلکه آنچه برای او جالب بود «استدلال‌هایی» بود که در پشت تصمیمات شرکت‌کنندگان در این نظرخواهی قرار داشت. کولبرگ پاسخ‌های دریافت شده را در قالب مراحل مختلف استدلال، رده‌بندی کرد.

سطح ۱- اخلاق پیش‌قراردادی

مرحله ۱- اطاعت و تنبیه

نخستین مراحل رشد اخلاقی در بین نوجوانان و جوانان مشترک است. در این مرحله، بچه‌ها قوانین را ثابت و مطلق می‌انگارند. اطاعت از قوانین بسیار مهم است زیرا باعث جلوگیری از تنبیه می‌شود.

مرحله ۲: فردگرایی و مبادله

در این مرحله، نقطه نظرات فردی و قضاوت بچه‌ها برپایه چگونگی برآورده ساختن نیازهای فردی قرار دارد. مثلاً در مورد داستان قبلی، بچه‌ها می‌گفتند که بهترین کار، کاری بود که به بهترین وجه نیازهای همسر زن بیمار را برآورده می‌کرد. تقابل، تنها در صورتی که در خدمت علائق شخصی فرد باشد امکان‌پذیر است.

سطح ۲- اخلاق قراردادی

مرحله ۳: روابط میان فردی

این مرحله بر زندگی مطابق نقش‌ها و انتظارات اجتماعی تمرکز دارد. هم‌رنگی با جماعت، «خوب» جلوه‌گر شدن و ملاحظه تأثیر تصمیمات بر روابط، مورد تأکید قرار می‌گیرد.

مرحله ۴: حفظ مرتبه اجتماعی

در این مرحله از رشد اخلاقی، انسان‌ها به هنگام قضاوت کردن جامعه را به صورت کلی در نظر می‌گیرند. تمرکز اصلی بر حفظ قانون، پیروی از مقررات، انجام وظیفه و احترام به مافوق است.

سطح ۳- اخلاق پس‌قراردادی

مرحله ۵: قراردادهای اجتماعی و حقوق فردی

در این مرحله، انسان‌ها شروع به در نظر گرفتن ارزش‌ها، عقاید و باورهای متفاوت سایر مردم می‌کنند. قوانین برای حفظ یک جامعه اهمیت دارند اما افراد جامعه باید این استانداردها و چهارچوب‌ها را قبول داشته باشند.

مرحله ۶: اصول همگانی

آخرین سطح از استدلال اخلاقی کولبرگ بر پایه اصول اخلاقی همگانی و استدلال انتزاعی قرار دارد. در این مرحله، انسان‌ها از این اصول که ملکه ذهن‌شان شده است پیروی می‌کنند، حتی اگر با قوانین و مقررات تناقض داشته باشند.

انتقادهایی بر نظریه رشد اخلاقی کولبرگ

- آیا استدلال اخلاقی لزوماً به رفتار اخلاقی منجر می‌شود؟ نظریه کولبرگ به تفکر اخلاقی می‌پردازد در حالی که بین دانستن این که چه کار باید بکنیم و اعمال واقعی ما اختلاف زیادی وجود دارد.
- آیا عدالت، تنها جنبه استدلال اخلاقی است که باید در نظر گرفت؟ نظریه کولبرگ بر مفهوم «عدالت» به هنگام تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، تأکید بیش از اندازه‌ای دارد. در حالی که عوامل دیگر نظیر دلسوزی، ترحم، مواظبت و سایر احساسات میان فردی می‌توانند سهم مهمی در استدلال اخلاقی داشته باشند.
- آیا نظریه کولبرگ تأکید بیش از اندازه‌ای بر فلسفه غربی دارد؟ فرهنگ‌های فردگرا بر حقوق فردی تأکید دارند در حالی که فرهنگ‌های جمع‌گرا بر اهمیت جامعه تأکید می‌ورزند. فرهنگ‌های شرقی ممکن است نگاه‌های اخلاقی متفاوتی داشته باشند که نظریه کولبرگ آن‌ها را به حساب نیاورده است.

ویژگی‌ها و توانائی‌های کودکان در دوره‌های رشد

رشد دوره کودکی به مراحل طفولیت، کودکی اول و کودکی دوم تقسیم‌بندی شده است.

• دوره طفولیت:

این دوره از زندگی ۲ سال اول بعد از تولد را شامل می‌شود و یکی از دوره‌های رشد است؛ دوره‌ای که سریع‌ترین تغییرات در آن اتفاق می‌افتد.

ویژگی‌های مهم رشد در این دوره عبارتند از:

رشد جسمانی: نوزاد تازه متولد شده تقریباً ۷۰ درصد وقت خود را می‌خوابد. در طول سال اول به تدریج وقت کمتری به خواب و وقت بیشتری برای توجه به محیط پیرامون اختصاص می‌دهد گریه کودک ارتباط او را با دیگران برقرار می‌کند. کودک بدین طریق ناراحتی و آشفتگی خود را بیان می‌کند اگر گریه کودک خیلی بلند و بدون ریتم باشد ممکن است کودک دچار سوءتغذیه و یا دارای آسیب مغزی باشد.

از شدت گریه معمولاً در سال اول کاسته می‌شود. قد و وزن در طول ۲ سال اول به سرعت افزایش یافته به طوری که حدوداً وزن بدن کودک ۴ برابر و قد او ۲ برابر می‌شود.

رشد حرکتی: رشد طبیعی و تدریجی مغز امکان رشد مهارت‌های حرکتی، از واکنش‌ها گرفته تا اعمال داوطلبانه کودک نظیر چنگ زدن و راه رفتن را به وجود می‌آورد. از همان ماه‌های اول اگر چیزی توجه کودک را به خود جلب کند طور خاصی به آن نگه کرده و یا با حرکت چشم آن را دنبال می‌کند که گوئی می‌خواهد به آن چنگ بزند.

توانائی چنگ زدن از حدود ۶ ماهگی به بعد، یعنی زمانی که بین حرکات دست و چشم هماهنگی به وجود آمده است، دیده می‌شود. چنگ زدن کودک ابتدا ناشیانه و با استفاده از کف دستش است ولی از یک‌سالگی به بعد کودک این کار را با مهارت بیشتر و چنگ زدن با انگشتان انجام می‌دهد. اما راه رفتن کودک از وقتی آغاز می‌شود که کودک بتواند سر خود را راست نگه‌دارد که حدوداً در سه ماهگی خواهد بود. سپس با کمک دیگران به مدت کوتاهی بنشیند (۵ ماهگی) و بدون کمک دیگران به مدت کوتاهی بنشیند (۷ تا ۸ ماهگی)، به کمک دیگران بایستد (۸ تا ۹ ماهگی)، بدون کمک دیگران چند قدم راه برود (۱ سالگی). به‌طور کلی مهارت راه رفتن در کودکان در حدود ۱۵ ماهگی مشاهده می‌شود.

«رشد ادراکی و شناختی:» در هنگام تولد حس بویائی و شنوائی نسبتاً حساس و فعال هستند ولی حس بینائی ضعیف است. نوزاد می‌تواند یک شی را تنها تا فاصله ۶ متری در حوزه بینائی خود قرار دهد اگر چه در هر فاصله‌ای آن را تیره و تار می‌بیند اما این توانائی در اولین ماه‌ها به سرعت رشد می‌کند تا جائی که کودک در ۶ ماهگی فاصله ۶۰ متری و در یک‌سالگی فاصله ۱۲۲ متری را مانند یک فرد بزرگسال می‌بیند. البته این رشد بیش‌تر تحت تأثیر رشد مغز است تا رشد چشم. کودک در ۸ تا ۹ ماهگی به این توانائی شناختی می‌رسد که بداند اشیاء و انسان‌ها حتی اگر حس نشوند (دیده و شنیده نشوند) وجود دارند.

ظرفیت حافظه انسان کلاً محدود است ولی در ۲ سال اول تولد به سرعت رشد می‌کند. ثبت اطلاعات با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد ولی بازیابی اطلاعات در برخی اوقات دشوار است.

در یک‌سالگی کودک می‌تواند یک یا دو کلمه بگوید و در ۲ سالگی قادر است با جملات کوتاه صحبت کند. کودک در ۲۱ ماهگی می‌تواند اولین جمله دو کلمه‌ای را بگوید و این توانائی در ۲۴ ماهگی به جملات چند کلمه‌ای برسد.

«رشد هیجانی و اجتماعی:» هیجانات کودک در ابتدا ساده و به‌صورت گریه و خنده ظاهر شده ولی به‌تدریج پیچیده‌تر می‌شوند. احساس امنیت از نیازهای عاطفی و اجتماعی اولیه کودکان است که باید در این دوره تأمین شود. در عین حال باید توجه داشت که حمایت بیش از اندازه همانند عدم حمایت موجب می‌شود که کودک به توانائی‌های خود شک کند و اعتماد به‌نفس لازم را به‌دست نیاورد. دلبستگی بین کودک و والدین به‌ویژه مادر این احساس امنیت و آرامش را فراهم می‌کند.

- کودک در ۲-۳ ماهگی لبخند اجتماعی می‌زند که اولین علامت آشکار و واکنش اجتماعی است .
- از ۴ ماهگی به‌بعد تمایز بین غریبه و آشنا آغاز می‌گردد و در ۸ ماهگی چهره اش با دیدن افراد غریبه تغییر پیدا می‌کند .

- اضطراب جدایی در کودک در ۱۲ ماهگی آغاز می شود و اوج آن در ۱۸ ماهگی نمود پیدا می کند و بعد از دو سالگی کاهش پیدا می کند زیرا کودک به مرور که بزرگ می شود میتواند وقایع را درک و بازگشت مادر را پیش بینی کند ، البته اضطراب جدایی موقت تا حدودی بستگی به کیفیت رابطه عاطفی کودک با مراقبت کننده از او دارد .
- رشد دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی برقرار می کنیم بطوری که باعث می شود در تعامل با آنها احساس نشاط کرده و هنگام استرس با وجود آنها احساس آرامش نماییم . کودکان در پایان سال اول زندگی به افراد آشنایی که نیازهای جسمانی تحریک آنها را برآورده کرده اند دلبسته می شوند .
- توصیه می گردد دانشجویان محترم نظریه دلبستگی جان بالبی و اینزورث را مطالعه نمایند .

• دوره کودکی اول (۲ تا ۶ سالگی)

در دوره کودکی اول ، رشد زیستی – اجتماعی در جنبه های مختلف اتفاق می افتد از جمله شکل، قیافه و اندازه کودک تغییر زیادی می کند به نحوی که مثلاً کودک ۶ ساله نمی تواند عکس دوره قبل خود را تشخیص دهد. همچنین سیستم عصبی مرکزی کودک نیز رشد می کند. این تغییرات به او اجازه می دهد که رشد و شناختی مناسب داشته باشد و بر محیط اطراف خود تسلط پیدا کند. مهم ترین تغییرات رشدی در این دوره عبارتند از:

• رشد جسمانی: در این دوره کودکان عموماً لاغر به نظر می آیند زیرا قسمت پائینی بدن آنها (تنه و پاها) نسبت به قسمت بالائی آن (سر و صورت) رشد بیشتری پیدا می کند.

افزایش مداوم و پیوسته ای در قد و وزن کودک پدید می آید به نحوی که تناسب بدنی کودک کم و بیش مانند بزرگسالان می شود. در این دوره هر سال به طور متوسط حدود ۷ سانتی متر به قد و حدود ۲ کیلوگرم به وزن کودک اضافه می شود. به طوری که در ۶ سالگی یک کودک متوسط ۲۱ کیلوگرم وزن و ۱۱۷ سانتی متر قد دارد.

رشد مغز با سرعت بیشتری نسبت به بخش های دیگر بدن ادامه پیدا می کند. در ۵ سالگی وزن مغز به حدود ۹۰ درصد زمان بزرگسالی خود می رسد. سلول های عصبی در مغز با درحات گوناگونی دارای میلین می شوند و سرعت ادراکات حسی در کودکان بیشتر می شود ولی هنوز هماهنگی بین دو نیمه مغز به طور کامل برقرار نشده است.

- دندان های شیری در ۲ تا ۳ الگی تکمیل می شوند . اولین دندان دائمی کودک در این دوره می روید .

- نظر به اهمیت بهداشت دهان و دندان باید آموزش مسواک زدن در این دوره شروع شود که بعضی ها پایان دو سالگی را برای این آموزش پیشنهاد می دهند .

- دست برتری (راست دست یا چپ دست بودن) در ۲ سالگی کاملاً با ثبات است.

مهارت‌های حرکتی: کودکان از ۲ تا ۶ سالگی اگر چه لاغرتر می‌شوند ولی قوی‌تر می‌شوند و رشد طبیعی مغز این اجازه را به آن‌ها می‌دهد که کنترل و هماهنگی بیشتری هم بین اعضاء مختلف بدن آن‌ها و هم بین آن‌ها و محیط اطرافشان به‌وجود می‌آید. طی این فرآیند کودکان با سرعت و توازن بیشتری حرکت می‌کنند و مهارت‌های حرکتی درشت آنها نظیر دویدن، بالا رفتن و پریدن به مقدار قابل ملاحظه‌ای بهبود پیدا می‌کند و این تغییرات به‌خوبی در حرکاتشان در هنگام بازی قابل مشاهده است. در ۵ سالگی اغلب کودکان می‌توانند سه چرخه سواری کنند، از نردبان بالا بروند، توپ را پرتاب کنند، آن را با دست بگیرند و یا با پا بزنند و در هر کجا که باشند (در خانه و کودکستان) معمولاً این مهارت‌های خود را می‌آزمایند. مهارت‌های حرکتی ظریف به‌ویژه با دستان و انگشتان برای کودکان قبل از دبستان دشوارتر از مهارت‌های حرکتی درشت است. اعمال حرکتی مثل ریختن آب از پارچ به لیوان، بریدن یک قطعه کیک با چاقو یا چنگال، بستن دکمه، بستن بند کفش، استفاده از مداد و مانند این‌ها به تلاش و تمرکز بسیار کودک نیازمند است و به‌همین دلیل برایش انجام آن‌ها در این سن سخت است. از طرف دیگر انگشتان کوتاه و چاق دلیل دیگری برای عدم پختگی در فعالیت‌های حرکتی ظریف است.

- دشوارترین مهارت خودیاری کودکان بستن بند کفش است که در ۶ سالگی بر آن تسلط می‌یابند .

مهارت‌های حل مسئله و حافظه نیز در دوره رشد می‌کند و آن‌ها این کفایت و اطمینان را به‌دست می‌آورند که نسبتاً مستقلانه رفتار کنند پس می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد که خیلی از کارها را خودشان انجام دهند. مثلاً خودشان صبحانه بخورند و حتی در تغذیه و لباس پوشاندن به بچه‌های کوچک‌تر کمک کنند. کودکان ۶ ساله می‌توانند عواطف و هیجان‌های خود را نسبت به والدین و دوستان بدون زیاده‌روی و تمسک به‌خودمحوری نشان دهند. در این دوره تفاوت‌های جنسی و نقش جنسی (رفتار پسرانه و دخترانه) برای کودکان مطرح می‌شود.

رشد و تکامل زبان :

زبان مهم‌ترین عامل در رشد مفاهیم و توانائی‌های ذهنی می‌باشد. رشد زبان در دوره دوم کودکی اعجاب انگیز است.

- میان سه تا پنج سالگی طفل هر ماه بیش از پنجاه لغت جدید یاد می‌گیرد.

-تحقیق نشان می‌دهد یک کودک دو ساله طبیعی حدود ۲۷۲ لغت می‌داند و می‌فهمد.

- این میزان در سه سالگی به حدود ۸۹۶ لغت رسیده، در چهار سالگی به حدود ۱۵۴۰ لغت و در پنج سالگی بالغ بر ۲۰۰۰ لغت می شود .

- چنانچه کودک به کودکستان برود بر این میزان افزوده خواهد شد. ضمناً هر قدر با طفل بیشتر صحبت کنند و حتی در معرض رادیو و تلویزیون قرار گیرد خزانه لغات او گسترش بیشتری نشان خواهد داد.

کودکان سه تا چهار ساله برخی از اصول و قواعد زبان را نیز به کار می برد که خود نشانه پیشرفت هوش آن ها است. به تدریج با ازدیاد توانائی طفل در کاربرد زبان توانائی های ذهنی او نیز گسترش می یابد.

- کودک سه تا چهار ساله قدرت ادراک - تفکر - استدلال و حل مسائل را به طور چشمگیری بیشتر از طفل دو ساله نشان می دهد .

- "لوریا" روانشناس روسی اشاره می کند که در مراحل اولیه رشد، کودک از کلام به عنوان وسیله ای برای ایجاد ارتباط با بزرگسالان و سیر اطفال استفاده می کند ولی در مراحل بعدی، زبان برای سازمان دادن به تجربیاتش و تنظیم اعمالش به کار می رود و فعالیت طفل از طریق کلمات ظاهر می گردد.

- کلام کودک در کنترل رفتارش مؤثر خواهد بود. ضمن رشد، پدیده مهم دیگری نیز بوجود می آید بدین کیفیت که کلام از صورت آشکار خود به شکل درونی و ناپیدا تبدیل شده و از اینجا تفکر درونی آغاز می شود. این مسئله همان است که واتسون دانشمند رفتارگرای امریکائی اظهار داشته و گفته است تفکر کلام بی صدا می باشد .

- پیشرفت در کاربرد زبان زمینه را برای یادگیری پیچیده تر - ایجاد مفاهیم - تفکر - استدلال و حل مسائل آماده می کند. - کلام محرک رفتار می شود. در ابتدا طفل ممکن است یک لغت را برای دو یا چند شیئی مختلف به کار برد و در نتیجه رفتاری مشابه نسبت به تمام آن ها نشان دهد. این کیفیت را تعمیم می نامیم. گرچه کلام سبب گسترش فعالیت های ذهنی می گردد ولی در بعضی اطفال محرکهای دیگری مانند تصاویر ذهنی - علائم غیر کلامی و نظایر آن ها نیز نقش کلام را ایفا می کنند. برای نمونه کودکان کر که توانائی شنیدن ندارند می توانند فعالیت های ذهنی شان را انجام دهند و به حل مسائل بپردازند. کودک موجودی تواناست و اگر نتواند از کلام استفاده کند از سایر وسائل علامتی استفاده خواهد نمود.

مراحل رشد زبان در کودک

۱. مرحله قبل از تکلم

۲. مرحله گفتار تک کلمه ای

۳. مرحله گفتار دو کلمه ای

۴. مرحله جملات پیچیده

مرحله قبل از تکلم: در نخستین سال زندگی، کودک در جهت رشد زبان سه دوره گریه، غان و غون با آواهای صدادار و غان و غون با آواهای بی صدا را به صورت متوالی طی می کند.

الف) گریه: گریه نوزاد اولین وسیله ارتباطی او با اطرافیان است. البته گریه های او برای تحریک اندامهای درونی مثل ششها می باشد ولی به مرور برای ابراز حالات مختلف مثل گرسنگی، تشنگی، درد و برخی نیازهای دیگر به کار گرفته می شود.

ب) غان و غون با آواهای صدادار: از ماه دوم به بعد نوزاد آواهای صدادار از خود ظاهر می کند که معمولاً پاسخی است به صداها و تماسهای چشمی و صورت دیگران. این حالت نوزاد حدود ۳ تا ۴ ماه طول می کشد.

ج) غان و غون با آواهای بی صدا: از ماه ششم تولید صدا پیچیده تر می شود و نوزاد شروع به ادای آواهای بیصدا می کند. آواهایی مثل «با»، «پا» و «ما» که به صورت هجاهای تکی و به مرور به صورت ترکیبی در می آیند. غان و غون نوزاد بین ۹ تا ۱۲ ماهگی افزایش می یابد و تا زمانی که کلمه ای بر زبان نیاورده است بیشتر آواهای او را شامل می شود و همه آواهای او بدون معناست.

مرحله گفتار تک کلمه ای:

کودک به تدریج در حدود یک سالگی می تواند اولین کلمات معنا دار و قابل فهم را برای دیگران را بیان کند که به سه بحث انواع کلمات اولیه، معنا و نقش کلمات اولیه اشاره می شود.

الف) انواع کلمات اولیه: کلماتی که در ابتدا توسط کودک به کار می رود چه از نظر هجا و چه از نظر معنا ویژگی های خاصی دارد. این کلمات معمولاً یک یا دو هجایی هستند و بیشتر از یک زوج هجا تشکیل می شوند مثل «دا دا» و «ما ما». از نظر دلالت بر معنا هم برخی کلمات برای کودک کاربرد بیشتری دارند مثلاً واژه های مربوط به چیزهای قابل حرکت و جابجایی نسبت به واژه های مربوط به اشیای ثابت بیشتر بکار می رود. کلماتی مثل میز و درخت که در زندگی کودکانه او نقش چندانی ندارند، دیرتر فرا گرفته می شود. اما کلماتی مثل جوراب و اسباب بازی کاربرد سریعتر و فراوانتری دارد. مطالعات نشان می دهد آموزش واژه های مربوط به اشیای آسانتر از واژه های مربوط به افعال است.

ب) معنی کلمات اولیه: هنگامی که کودک کلماتی مثل توپ و سگ را بکار می برد آیا همان معنایی را اراده می کند که بزرگسالان اراده می کنند؟ تحقیقات خلاف این را نشان می دهد و نشانگر این است که این کاربرد کودکان از دو ویژگی «بیش گستری» و «بیش تخصیصی» برخوردار است.

بیش گستری به این معناست که کودک کلمه را به موارد بسیار گسترده تر از آنچه بزرگسالان به کار می برند، تعمیم می دهد. مثلاً کلمه توپ را نه فقط برای توپ واقعی به کار می برد، بلکه این لفظ را برای سایر اشیای کروی مثل میوه ها و اسباب بازی های گرد به کار می برد.

بیش تخصیصی یعنی محدود ساختن حیطه واقعی کاربرد کلمه، به این معنی که هر چند بزرگسالان از کلمه معنای عامی را می فهمند و مثلاً برای همه گربه ها لفظ گربه را اطلاق می کنند، اما کودک فقط برای گربه خانه خودش این کلمه را استفاده می کند.

بیش گستری و بیش تخصیصی در حقیقت دو گام ابتدایی برای کاربرد صحیح کلمات است. کودک در ابتدا کلمه را بر اساس نمونه ای که از والدین شنیده و بر اساس شباهتهایی که می بیند به صورت عام به کار می برد و یا اینکه از روی حدسی که می زند آن را تخصیص می زند. این کاربرد برای او جنبه آزمایش دارد. این حالت آزمایش و خطا و به کار بردن کلمات به منظور

یافتن کاربرد صحیح کلمات تا زمانی ادامه دارد که کودک به هدف برسد و کاربرد صحیح کلمات را آنچنان که بزرگسالان به کار می برند ، بیاموزد .

ج) نقش کلمات اولیه : بزرگسال اگر بخواهد مطلبی را القا کند ، اگر آن مطلب مفهوم یک کلمه باشد همان یک کلمه را ایراد می کند اما اگر منظورش با یک کلمه بیان نشود از عبارت یا جمله استفاده می کند . کودک در اوایل رشد گویایی فقط از تک واژه استفاده می کند . سوال این است که آیا این تک واژه فقط همان معنای خودش را دارد یا معنای بیشتری را در بر دارد ؟ مثلاً وقتی کودک قاشق را از دست مادر می کشد و می گوید « من » پیام او چیست ؟ این واژه در بزرگسال یعنی شخص گوینده و فقط همین معنی را می رساند . آیا کودک هم فقط چنین منظوری دارد ؟

برخی معتقدند که تک واژه ها در کاربرد کودکان به جای جمله ای که کودک آن را در ذهن دارد می نشیند . مثلاً در مثال بالا در ذهن او می گذرد که « من خودم می خواهم غذایم را بخورم » ولی به خاطر محدودیت در مهارت گویایی و یا ضعف شناختی قادر به بیان جمله نیست و آن را در یک واژه خلاصه می کند .

در مقابل برخی دیگر بر این اعتقادند که تک واژه ها در کلام کودکان همان معنای خودشان را می رسانند . به عنوان مثال وقتی کودک صدای پایی را می شنود و می گوید « ماما » طبق این نظر صدای پا باعث می شود که کودک فکر کند مادرش دارد می آید و فکر آمدن او ، کودک را به گفتن کلمه « ماما » وادار می کند . یعنی اینچنین نیست که کودک جمله و یا حتی معنای آن را در ذهن داشته باشد .

مرحله گفتار دو کلمه ای : این مرحله معمولاً از ۱۸ تا ۲۰ ماهگی آغاز می شود و اولین گام برای جمله سازی توسط کودکان است . نکته قابل توجه در این مرحله ، سرعت بکارگیری ترکیبات دو کلمه ای است . مثلاً در نمونه زیر :

« بچه ای اولین عبارت دو کلمه ای را در سن ۱۹ ماهگی به زبان آورد و در همان ماه ۱۴ عبارت دو کلمه ای مختلف به کار برد . در ۶ ماهه بعد تعداد ترکیبات دو کلمه ای این کودک در هر ماه به ترتیب ۲۴ ، ۵۴ ، ۸۹ ، ۲۵۰ ، ۱۴۰۰ و ۲۵۰۰ بود . » در بحث گفتار دو کلمه ای کودک ، توجه به چند نکته ضروری است :

الف) گفتار تلگرافی : هر چند کودک در این سن قدم به میدان جمله سازی گذاشته است اما هنوز زبان او نسبت به بزرگسالان بسیا ساده است . از این رو در کلام کودک حروف تعریف ، حروف اضافه ، حروف ربط ، افعال کمکی و امثال آن دیده نمی شود و کودک بیشتر از اسم و فعل و تا حدودی از صفت استفاده می کند . این نوع کلام گفتار تلگرافی نامیده می شود . البته این نوع صحبت کردن ، فقط به گفتار دو کلمه ای محدود نمی شود و حتی زمانی که کودک از عبارات طولانی تر نیز استفاده می کند ، باز حالت تلگرافی بودن را تا حدی حفظ می کند . در زمینه گفتار تلگرافی این سوال مطرح است که آیا کودک این گفتار را به صورت تصادفی و به میل خود شکل می دهد یا اینکه کلام او در همین حد نیز از نظم مشخصی برخوردار است که کودک ناخود آگاه از آن پیروی می کند ؟ اما برای پاسخ هنوز هیچ مدرک قانع کننده ای یافت نشده است .

ب) بافت : به گفتار تلگرافی کودک ۲۱ ماهه ای که مورد مطالعه قرار گرفته بود توجه کنید : « ماما جوراب » . منظور کودک چیست ؟ منظور کودک از همین جمله در موقعیتهای مختلف دیگر که گفتارهای متفاوتی را می طلبید چه بود ؟ یکبار که کودک جوراب مادرش را برداشته بود این عبارت را بیان کرد و بار دیگر هنگامی که مادر جوراب کودک را به پای او می کرد باز این عبارت شنیده شد . مشخص است که با توجه به بافتهای مختلفی که این کلام در آن بیان شده باید معانی متفاوتی از آن فهمید و بافتی که کودک در آن سخن می گوید نقش مهمی در ارتباط صحیح با کودک دارد .

جملات پیچیده : در حدود ۲۴ تا ۳۰ ماهگی و بعد از آنکه کودک تا حدی با علایم و دستورهای زبان آشنا شد کم کم به بیان جملات پیچیده ای از قبیل جملات ربطی ، سوالی ، منفی ، موصولی و مجهول می پردازد .

در خصوص ساخت جملات ربطی باید از حروف و کلمات ربط استفاده کرد . اولین حرف ربطی که کودک بکار می برد « و » است و پس از آن از کلمات ربطی دیگری مثل « چونکه » ، « چه » ، « وقتی که » استفاده می کند . در بیان و فهم جملات سوالی نیز

قانون تقدم فهم بر توليد گفتار وجود دارد. کودک دو ساله سؤالاتي را كه جواب آنها بلي / نه است و يا سؤالاتي را كه با «چه»، «كي» و «كجا» آغاز مي شود، درك مي كند و معمولاً به آنها به درستي جواب مي دهد. هنگام بيان جمله سؤالي همان جمله مثبت را مي گويد ولي در پايان جمله كمى صداي خود را بلند مي كند تا سؤالي بودن آن معلوم شود.

در سير استفاده از جملات منفي نظم خاصي مشاهده مي شود مثلاً کودکان انگليسي زبان در ابتدا جملات منفي را با اضافه كردن كلمه (no) بر سر جملات مثبت مي سازند اما بعدها طرز صحيح بكارگيري علامت منفي را ياد ميگيرند و جملات نسبتاً صحيحي را به كار مي گيرند. البته در اينجا هم توجه به تفاوتهاي فردي امري ضروري است.

در سه سالگي کودک با استفاده از روابط موصولي به كار بردن جملات پيچيده را آغاز مي كند. در اينجا سير رشد تدريجي است. در ابتدا کودکان فقط بندهاي كامل و مستقل را به هم متصل مي كنند ولي بعدها به دليل وجود عبارتي فرعي، عبارت اصلي را در بيان نا تمام مي گذارند و چنين جملاتي مي سازند: «جغدي كه قند مي خورد، سريع مي پرد.»

روشن است كه بيان جملات معلوم به مراتب از به كار گيري جملات مجهول ساده تر است به طوري كه بزرگسالان هم كمتر از جملات مجهول استفاده مي كنند در آزمائشي روي کودکان ۳-۴ ساله از آنان خواسته شد كه با شنيدن جمله در عمل آن را نشان دهند. کودکان با شنيدن جمله «ماشين به كاميون ضربه ميزند» و «كاميون به ماشين ضربه مي زند» به طور صحيح اين حالت را نشان دادند اما زماني كه جمله مجهول «ماشين توسط كاميون ضربه مي خورد» را شنيدند باز ماشين را به كاميون مي زدند و فاعل بودن كاميون را درك نمي كردند گويـا همان اسم اول را فاعل جمله تلقـي مي كردند.

***عواملی که در رشد زبان اهمیت دارند عبارتند از:**

۱. تقليد زبان والدين، ديگر بزرگسالان و معلمـان
۲. عوامل فرهنگي
۳. عوامل محيطي
۴. ميزان رشد
۵. سطح هوش
۶. شرايط جسمي
۷. شمار فرزندان خانواده
۸. وضع اقتصادي - اجتماعي خانواده
۹. رشد عاطفي کودک
۱۰. كفايت و سلامت كلام والدين

***راهنمایی برای بهبود درک مطلب کودکان**

۱. از جملات کوتاه و ساده استفاده كنيد.
۲. هر وقت از كلمه جديدي استفاده مي شود، بايد كامل و صحيح تلفظ شود.
۳. حالت ها و حرکات سر و دست در شرح آن كلمه يا جمله تکرار شود.
۴. از کودکان بايد خواسته شود براي اطمینان بیشتر سؤال كنند تا مطلب موردنظر كاملاً درك شود.
۵. كمك هاي شنوايي - بينايي براي بهبود درك کودک به كار رود.
۶. کودک بايد براي صحبت با بزرگسالان تشويق شود.
۷. معلمـان و بزرگسالان هنگامی كه اشتباه هاي كلامي کودکان را تصحيح مي كنند بايد خوشحال و مقيد باشند.
۸. کودک براي شنيدن با دقت، بايد تشويق شود.
۹. معلمـان بايد با کودکان در مورد موضوع هاي جالب و سرگرم كننده صحبت كنند، زيرا بخشي از آنها به منظور تشويق گوش دادن و بخشي به منظور افزايش اطلاعات عمومي کودکان مورد استفاده قرار مي گيرد.

۱۰. از کودکان نباید انتظار داشت که به سرعت مشکل تکلمشان را رفع کنند.

*** فعالیت هایی برای رشد تکلم و نوشتار کودکان**

۱. ایجاد فرصت هایی برای مکالمه آزاد میان کودکان و معلمانشان.
۲. ایجاد فرصت هایی برای گوش دادن به برنامه ها، صداها، داستان ها و نمایشنامه های ضبط شده.
۳. ایجاد فرصت هایی برای شرکت کودکان در قصه گویی و نمایش.
۴. ایجاد فرصت هایی برای خواندن اشعار کودکان.
۵. ایجاد فرصت هایی برای ارتباط دادن کلام با تصاویر درخت، پرندگان، حیوانات، اشیا و غیره.
۶. استفاده از قصه گویی برای رشد زبان.
۷. آماده کردن یک لیست از کلمات سخت با مفاهیم یکسان و یا حروف بی صدا و کمک به کودکان برای تلفظ آنها.
۸. ایجاد فرصت هایی برای خواندن آوازهای مذهبی و غیره برای کودکان.
۹. ایجاد فرصت هایی برای گوش دادن به دیگر رسانه ها مانند رادیو.
۱۰. ایجاد فرصت هایی برای خواندن و نامیدن تصاویر.
۱۱. سؤال از کودکان برای پیدا کردن تفاوت های جزئی میان ۲ یا چند تصویر.
۱۲. سؤال از کودکان برای توضیح عمل در تصویر، مثلاً تفسیر عکسی که در آن حیوانی ایستاده و کودکان نشسته اند.

• دوره کودکی دوم (۷ تا ۱۱ سالگی)

«رشد زیستی – اجتماعی» در دوره دوم کودکی به طور کلی یکنواخت و کم حادثه یا کم ماجراست. به همین دلیل بیماری و مرگ کودکان در این دوره بسیار کم تر از دوره های دیگر اتفاق می افتد. ویژگی های رشد در مقایسه با دوره های دیگر نمودی مثبت و سازنده دارد و کودک بیش از هر دوره دیگری آمادگی انجام تکالیف و وظایف رشدی و تربیتی خود را دارد.

«رشد جسمانی و حرکتی»: بسیاری از مهارت ها را بدون آموزش بزرگسالان فرا می گیرند و بدن آن ها به قدر کافی رشد یافته که بتوانند این مهارت ها را به خوبی انجام دهند. آهنگ رشد جسمانی به آهستگی ادامه می یابد، به طور متوسط ۶ سانتی متر به قد و ۲۱۴ کیلوگرم به وزن او در هر سال اضافه می شود به طوری که در سن ۱۰ سالگی در حدود ۱۳۷ سانتی متر قد و ۳۲ کیلوگرم وزن دارد، ماهیچه های کودک قوی تر می شود و قدرت پرتاب توپ در کودک ۱۰ ساله دو برابر کودک ۶ ساله است ظرفیت شش ها افزایش می یابد و کودکان می توانند تندتر بدوند. رشد جسمانی آهسته تر، کودکان دبستانی را قادر می سازد که هرگونه مهارت حرکتی از قبیل استفاده از چکش، اره کردن، استفاده از سوزن، بافندگی کردن، طراحی کردن، نوشتن، دوچرخه سواری، شمشیر بازی، شنا، شیرجه، اسکیت بازی، پرش از روی طناب، فوتبال و... را به خوبی انجام دهند.

«رشد شناختی و زبانی»: تفکر کودک دارای راهبردها و سازمان دهی بیشتر می شود و از نظم و منطق بیشتر برخوردار می شود کودک در این دوره توانائی برنامه ریزی پیدا کرده و از منابع شناختی خود در فرآیندهای حل مسئله و یادآوری اطلاعات استفاده

می‌کند و دانش خود را به‌طور اختصاصی در موضوعی خاص افزایش می‌دهد. آنان به نقاط قوت و ضعف شناختی خود پی می‌برند و درمی‌یابند که همه کارها و تکالیف را نمی‌توان انجام داد.

کودکان در این دوره می‌توانند در تکالیف ورزشی، آموزشی و اجتماعی خود به‌طور مستقل یا به‌طور دسته‌جمعی درگیر شوند بدون آن‌که دچار حواس‌پرتی شوند و یا حواس دیگران را پرت کنند. توانائی حافظه افزایش پیدا می‌کند و آن‌ها از راهبردهای ذخیره‌سازی اطلاعات و راهبردهای بازیابی اطلاعات می‌توانند استفاده کنند. مثلاً اگر به کودک ۹-۱۰ ساله‌ای تکلیف شود که نام ۳۰ کشور را حفظ کند او قادر است که این کشورها را براساس مناطق جغرافیائی و یا حروف الفبا جور کند و سپس آن‌ها را به حافظه خود بسپارد. همچنین او می‌تواند حروف اول این کشورها را با هم ترکیب کند و از آن کلمه و یا جمله‌ای بسازد تا حفظ کردن را برای او آسان‌تر سازد. در بازیابی اطلاعات نیز کودک ۹-۱۰ ساله اگر اطلاعاتی را در مرحله اول به یاد نیاورد ناامید نمی‌شود بلکه سعی می‌کند ابتدا حوادث و اطلاعات مربوط به آن را به یاد بیاورد و به دنبال سرنخ‌ها و نشانه‌ها می‌گردد و از این طریق اطلاعات اصلی را به یاد می‌آورد.

یکی دیگر از ویژگی‌های شناختی این دوره، افزایش در سرعت و ظرفیت پردازش اطلاعات است که در نتیجه آن کودکان سریع‌تر فکر می‌کنند و از ظرفیت بیشتری برای فکر کردن برخوردارند. منطقی شدن تفکر کودکان هم در این دوره شکل می‌گیرد.

خزانه لغات و دستور زبان او هم رشد می‌کند و روزانه ۲۰ لغت جدید می‌آموزد و خزانه لغات او به ۴۰ هزار لغت خواهد رسید. کودکان تا قبل از ۱۰ سالگی بهترین یادگیرندگان برای زبان دوم هستند. آموزش زبان دوم به کودک معمولاً زمانی بیشتر موفق خواهد بود که کودک زبان اول خود را به‌خوبی فرا گرفته باشد به‌همین دلیل سنین ۴-۵ سالگی می‌تواند شروع خوبی برای آموزش زبان دوم باشد.

رشد هیجانی و اجتماعی: در دوره قبل از دبستان محیط اجتماعی کودک محیطی است محدود و هدایت شده از طرف والدین ولی در دوره دبستان این محیط بسیار گسترده‌تر می‌شود و خود او نیز تا حدودی در هدایت‌گری سهیم می‌شود. همسایگان، جامعه و مدرسه محیط‌های جدیدی هستند که کودک علاوه بر محیط خانواده به‌طور روزمره با آن‌ها سر و کار دارند. او با همسالان روابط دوستی برقرار می‌کند و در عین حال با آن‌ها رقابت می‌کند، با بزرگسالان دیگر (معلمان و مربیان) روابط اجتماعی برقرار می‌کند و ارزش‌های اخلاقی را از آن‌ها فرا می‌گیرد و گاه نیز دچار تعارض‌های اخلاقی میان خانواده و محیط اجتماعی می‌شود.

در این دوره کودکان آمادگی برای انجام تکالیف آموزشی، تربیتی و اجتماعی دارند این دوره، دوره تولید و کار برای آن‌ها محسوب می‌شود. شناخت اجتماعی کودک نیز در این دوره پیشرفت می‌کند یعنی سایر افراد و گروه‌ها را می‌فهمد و در می‌یابد که دیگران را نباید تنها براساس رفتار ظاهر مورد قضاوت قرار داد بلکه انگیزه‌ها و نیازهای درونی افراد مهم‌تر از رفتارهای ظاهری آن‌هاست.

کودکان در این دوره شناخت گسترده‌تری از خود پیدا می‌کنند و نقش‌های متفاوتی را برعهده می‌گیرند و مهارت‌های تازه‌ای پیدا می‌کنند. گروه همسالان در این دوره به تدریج از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود. در ابتدا گروه همسالان به صورت جمعی و با تعداد زیاد برای کودک مطرح هستند ولی به تدریج که بر سن او در این دوره افزوده می‌شود روابط دوستی و گروهی محدودتر و صمیمی‌تر می‌شود.

درباره فواید بازی و نقش آن در پرورش جسم و روح آنها، پژوهش‌های زیادی انجام شده است و کارشناسان و پژوهشگران به این نتیجه روشن رسیده‌اند که بازی، نیاز اولیه و ضروری کودکان است و هر چه امکان پرداختن آنها به بازیهای سالم و سازنده بیشتر باشد، فکر و ذهن و جسم آنها بهتر پرورش می‌یابد و خصوصیت‌های اجتماعی آنها بهبود می‌یابد.

هیچ زمانی جز سالهای اولیه زندگی، بازی تأثیر خود را نشان نمی‌دهد. پس توجه به سالهای کودکی و تأثیر بازی، ضرورت بسیاری دارد. کودک هنگام بازی می‌تواند کشف کند چه کسی است و چه توانایی‌هایی دارد، دنیا چیست و چگونه خود را باید با محیط هماهنگ کند. بازی می‌تواند به کودک اعتماد به نفس دهد، بازی کردن بچه‌ها راهی است به سوی شکل‌گیری شخصیتی سالم و مفید. در نتیجه برای این که کودک در آینده، زندگی خوب و بالنده‌ای داشته باشد، فرایند بازی بسیار ضروری است.

برخی دیگر از مهمترین ویژگیهای رشد در این دوره :

۱- یادگیری مهارتهای جسمانی لازم برای بازی های معمولی

۲- ایجاد یک نگرش سالم و مفید (کودک به عنوان یک انسان زنده و در حال رشد)

۳- یادگیری رفتار با همسالان

۴- شروع رشد نقش های مناسب جنسی و اجتماعی زنانه و مردانه

۵- یادگیری مهارتهای اصلی خواندن ، نوشتن و حساب کردن

۶- رشد مفاهیم لازم برای زندگی عادی و روزمره

۷- رشد وجدان ، اخلاق و معیار های ارزشی

۸- رشد مهارت‌های فردی (کمک به خود فرد تا به صورت خودکفا عمل کند)، مهارت‌های اجتماعی (کمک به دیگران)،

مهارت‌های آموزشی و مهارت‌های بازی

۹- از نظر عاطفی کودک در این دوره یاد می گیرد چگونه واکنش های عاطفی و هیجانی خود را کنترل کند ، البته در

محیط خانه نیاز کمتری به کنترل عواطف و هیجانات خود دارند ، معمولاً در این دوره آرام و قرار ندارند ، شادند و از

سازگاری خوبی برخوردارند اما هنگامی که محیط بیرونی آنها تهدید کننده باشد دچار اضطراب و ناکامی می شوند .

۱۰- انواع کنش های عاطفی کودکان در این دوره عبارت است از خشم ، ترس ، حسادت ، کنجکاوی ، لذت ، غم و محبت

می باشد .

۱۱- از ویژگی‌ها رشد در این دوره اجتماعی شدن کودک است و میل به گروه همسالان به شدت افزایش می یابد .

۱۲- هدف عمده گروه‌های کودکان در این دوره تفریح و بازی است .

تعریف بازی

به هر گونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدفداری که به صورت گروهی یا فردی انجام پذیرد و موجب کسب لذت و اقلان نیازهای کودک شود بازی گویند.

نقش بازی در رشد اجتماعی کودک

۱. موجب ارتباط کودک با محیط بیرون می شود و دنیای اجتماعی او را گسترش می دهد.

۲. موجب شکوفایی استعدادهای نهفته و بروز خلاقیت می شود.

۳. همکاری،همیاری و مشارکت کودک توسعه می یابد.

۴. با رعایت اصول و مقررات آشنا می شود.

۵. همانند سازی با بزرگسالان را می آموزد.

۶. با مفهوم سلسله مراتب آشنا شده و آن را رعایت می کند.

۷. رقابت را می آموزد و شکست را بطور واقعی تجربه می کند.

۸. قدرت ابراز وجود پیدا می کند و از ترس،کمرویی و خجالت بیهوده رها می شود.

۹. حمایت از افراد ضعیف را می آموزد

نقش بازی در رشد عاطفی

۱. نیاز به برتری جویی را ارضا می کند.

۲. موجب ابراز احساسات،عواطف، ترس ها و تردیدها،مهر و محبت،خشم و کینه و نگرانی ها می شود.

۳. تمایل به جنگجویی و ستیزه گری را کم می کند.

۴. برون نگری کودک را افزایش می دهد.

نقش بازی در رشد جسمی کودک

۱. موجب رشد هماهنگ دستگاهها و اعضای مختلف بدن می شود.
۲. باعث تقویت حواس کودک می شود.
۳. نیرو و انرژی بدن را به بهترین شکل مصرف می کند.
۴. کودک به توانمندیهای فکری و و بدنی خود آگاهی پیدا می کند.

نقش بازی در رشد ذهنی کودک

۱. در یادگیری زبان نقش بسزایی دارد.
۲. در رشد هوشی بسیار مهم تأثیر دارد.
۳. با مفاهیم ساخت، فضا، شکل آشنا می شود.
۴. رفتارهای هوشمندانه کودک تقویت می شود.
۵. موقعیت استفاده از قوه ی تخیل در کودک به وجود می آید.
۶. زمینه ی بهتر برای تفکر فراهم می آورد.

انواع بازیها

کودکان روحیات متفاوتی دارند و با توجه به ویژگی های خود، بازی های مختلفی را تجربه می کنند. عواملی که در انتخاب نوع بازی کودکان دخالت دارد عبارتند از:

(۱) تفاوت های فردی

(۲) میزان سلامتی

(۳) سطح رشد جسمی و حرکتی

(۴) بهره ی هوشی

(۵) جنسیت

(۶) خلاقیت

(۷) فرهنگ خانواده

(۸) موقعیت جغرافیایی

بازی های جسمی

از قدیمی ترین بازیهاست به ابزار مخصوص نیازمند است، هم به صورت انفرادی و هم به صورت گروهی انجام می شود، برای مصرف انرژی اضافی بدن و نجات یافتن از خستگی و کسالت بسیار مفید است و رفتارهای نا آرام و پرخاشگری توأم با عصبانیت کودک را کاهش می دهد.

بازی های تقلیدی

کودک به تقلید نقش هایی می پردازد که آن ها را باور کرده است معمولاً بهترین شخصیتها برای شروع ایفای نقش، والدین برادران و خواهران و دوستان هستند کودک از ایفای نقش آنان لذت برده و تجربه کسب می کند در دوره ی دبستان بیشتر نقش معلمان را تقلید می کند در حالی که در دوره ی نوجوانی از تقلید رفتار بزرگسالان دوری می کند و به تقلید رفتار همسالان می پردازد که این خود آغازی است برای هماهنگی و همسو شدن با گروههای اجتماعی و ایفای نقش های زندگی.

بازی نمایشی

کودک در تقلید از بزرگترها از لباس و عینک و وسایل مخصوص آن ها استفاده می کند مانند پسر کوچکی که کت پدر را به تن کرده و یا دختر بچه ای که کفش پاشنه دار مادر را پوشیده و به زحمت راه می رود.

بازی های نمادی

زمانی که کودک دستیابی به ابزار و وسایل مورد نیاز خود را غیر ممکن می بیند نیازها و آرزوهای خود را با استفاده از وسایل نمادی و از طریق بازی بیان می کند برای مثال بر تکه ای از چوب سوار شده این طرف و آن طرف می رود مانند این که سوار بر اسبی شده و آن را هدایت می کند. این نوع بازی یکی از بهترین شیوه های بازی درمانی محسوب می شود.

بازی های آموزشی

مهمترین وسیله آموزش کودک، استفاده از وسایل بازی مناسب است، مانند مکعب های چوبی که کودک با جور کردن و دسته بندی کردن آن ها می تواند با مسائل اساسی اما ساده و آسان ریاضی آشنا شود. از خانه های کوچک اسباب بازی برای آشنا کردن کودک با واقعیتهای موجود زندگی می توان استفاده کرد بازی های آموزشی موجب تقویت حواس و رشد قوای ذهنی و اجتماعی کودک می شوند به شرط آن که سعی کنیم کنترل اصلی بازی در اختیار کودک باشد و جهت و مسیر آن را تعیین کند.

بازی خلاقیتی

کودک از طریق به وجود آوردن چیزی، عقاید و احساساتش را اظهار می کند مانند نقاشی، موسیقی، خمیر بازی، شن بازی و یا استفاده از لغات که او را قادر می سازد تا در آینده داستان، شعر و نمایشنامه بنویسد.

بازیهای گروهی

این بازی ها هدف مشترکی دارند که افراد شرکت کننده برای نیل به آن ناگزیرند تلاشها و فعالیت های خود را با یکدیگر هماهنگ کنند. از این رو بازی ، عامل مهمی در ایجاد مراوده و ارتباط متقابل میان کودکان است ، چرا که لزوم همکاری برای رسیدن به هدفی واحد موجب اتحاد آنها می شود . بنابراین کودکان با انتخاب نوع بازی و تعیین شرایط بازی و مقید کردن خود به اطاعت از اصول و قوانین بازی ، در حقیقت نوع خاصی از زندگی اجتماعی را تجربه می کنند و در سازمان دادن به این زندگی اجتماعی ، این باور را در خود پرورش می دهند که به منظور پذیرش در گروه بازشناسی از سوی همبازی ها ، باید به نوعی دیگر ، همبازی ها را در زندگی خود شرکت دهند . کودک بدون بازی و بویژه بازیهای گروهی ، خودخواه و فاقد توانایی لازم برای ایجاد ارتباط موفق و سالم با دیگران بار می آید ، حال آنکه از طریق بازی ، شیوه همکاری و نفوذ در گروه همسالان ، جلب توجه دیگران ، رعایت حقوق دیگران ، زندگی گروهی و بسیاری از امور اجتماعی دیگر را یاد می گیرد.

اسباب بازی

انتخاب «بهترین اسباب بازی» برای کودک ، کاری تقریباً ناممکن است. بهترین اسباب بازی آن است که کودک را مجذوب خود می کند و او دوباره به سراغ آن می رود و تحریک و لذت بیشتری از آن کسب می کند.

این اسباب بازی ممکن است خیلی گران یا خیلی ارزان تمام شود ولی نهایتاً همان اسباب بازی است که کودک از آن لذت می برد و بیشترین امکانات یادگیری را برای وی فراهم می آورد. برخلاف آنچه والدین انتظار دارند، هر قدر اسباب بازی دارای شکل غیر اختصاصی تر و بنیادی تر باشد، قوه تخیل کودک را بیشتر تحریک می کند. مثلاً شاید یک تکه چوب که می توان از آن به عنوان شمشیر یا عصا استفاده کرد بیشتر از یک عروسک با لباس های گران قیمت که فقط می توان یک شخصیت داشته باشد به خلاقیت کودک شما کمک کند.

اما یکی از نکات بسیار مهم که والدین باید آن را مورد توجه قرار دهند انتخاب اسباب بازی برحسب سن کودک است . یعنی یک اسباب بازی که کودکی دو ماهه را سرگرم می کند نمی تواند یک کودک دو ساله را سرگرم کند و بالعکس. کودکان همگام با رشد خود به محرک های متفاوتی نیاز دارند و انتخاب اسباب بازی بایستی براساس نیازهای متغیر آنها باشد. تناسب داشتن اسباب بازی انتخاب شده با سن کودک بسیار مهم است. اگر اسباب بازی خیلی پیشرفته باشد کودک نمی داند چگونه با آن بازی کند و لذت زیادی از آن نمی برد ، اگر هم بسیار ابتدایی باشد حوصله کودک زود سر می رود. کودک خردسال به اسباب بازی هایی نیاز دارد که حواس پنجگانه او را تحریک کند.

زیر یک سال

اسباب بازی های مناسب آنهایی هستند که رنگ ها، حالات مختلف سطح (نرمی ، زبری) مواد، شکل های جالب و متنوع را به کودک می نمایانند. اسباب بازی هایی که صدا در می آورند و نسبت به عملی که با آنها انجام می شود واکنش نشان می دهند مثل جغجغه که به کودک احساس تسلط و کنترل می دهند و رشد مهارت های دستی و هماهنگی او را تسریع می کنند.

کودکان نوپا

از بازی های « داخل گذاشتن - بیرون آوردن » لذت می برند ؛ لذا مکعب هایی با اندازه ها و شکل های مختلف، فنجان های پلاستیکی، قاشق، اسباب بازی های داخل حمام، پیاله، هرم های اسباب بازی، همگی از اسباب بازی های مورد علاقه آنها هستند.

دو سالگی

کودکان در این سن مهارت چرخشی میج را کسب می کنند که آنها را قادر می سازد چیزهای مختلف را بپیچانند و درها را باز کنند. اسباب بازی هایی که درپوش پیچی دارند، مکعب هایی که داخل هم چفت می شوند، مجموعه اشکال پیشرفته تر با قطعاتی به شکل های مختلف که هر یک فقط در داخل یک سوراخ جا می گیرد ، تابلو شکل و میز نجاری ، همگی اسباب بازی های مناسبی برای رشد کودکان در این مرحله سنی به شمار می روند.

دبستانی

همچنان از بازی با مکعب ها، وسایل نقاشی و رنگ آمیزی و هر چیزی که محرک بازی های تخیلی باشد لذت می برد. او می تواند شروع به انجام بازی های ساده با کارت های بازی یا دومینوهای تصویری کند.

تمام بچه ها بازی کردن را دوست دارند و این برای کودکان مفید است زیرا سبب دوراندیشی و توانایی پیش بینی عواقب یک کار می شود. به یاد داشته باشید که اگر شما هم در بازی ها شرکت کنید جنبه آموزشی بازی برای کودکانتان بیشتر می شود..

* پایان *